

تحلیل انتقادی گفتمان دعای صباح امام علی(ع) بر اساس الگوی نورمن فرکلاف



پریسا کاظمی^۱، حسین چراغی‌وش^{۲*}، مریم جلیلیان^۳، امیر مقدم متقی^۴

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/dua.2024.28870.1053

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

چکیده

گفتمان انتقادی نوعی روند تکوینی تحلیل گفتمان است که در آن با عبور از سطح توصیف گفتمان به چرایی تولید متن توجه می‌شود. در همین راستا در پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف تلاش می‌شود به گفتمان کاوی انتقادی دعای صباح امام علی(ع) در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین پرداخته شود و ضمن بررسی جنبه‌های ادبی مناجات، گفتمان‌های غالب و پوشیده متن را که کمتر به آن‌ها توجه شده، مورد تحلیل قرار دهد. در سطح توصیف در جملات با وجوه خبری، با قطع و یقین به بیان موقعیت گفتمانی پرداخته شده که بیانگر میزان تعهد نویسنده به گزاره‌هاست و این متن به عنوان ابزاری قاطع برای ارسال پیام است. در بعضی عبارات قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست؛ بلکه نوعی انتظار، حسرت و اندوه را نشان می‌دهد. این پژوهش سعی می‌کند به این دو پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در دعای صباح براساس نظریه نورمن فرکلاف کدامند و امام(ع) چگونه توانسته است با استفاده از کلمات این موضوعات را منتقل کند؟ نتایج این تحقیق گویای این است که ایدئولوژی غالب در گفتمان در موضوع بیان عظمت خداوند و قدرت و حکمت او در خلق نعمت‌های عظیم، یگانگی خداوند و توحید، بخشندگی و رحمت، تفویض امور به خداوند و مناجات و راز و نیاز با خدا خلاصه شده است. بر این اساس، بیشترین حجم واژگان دعای صباح برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی انتخاب شده است و با توجه به مفهوم دعا، دایره واژگانی امام(ع) نیز بیشتر مربوط به دعا و مناجات است.

کلید واژه‌ها: گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، دعای صباح

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور لرستان، خرم آباد، ir.kazemi.pa@fh.lu.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ir.h.cheraghivash@basu.ac.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، ir.jalilian.ma@lu.ac.ir

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ir.a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

۱. مقدمه

زبان یکی از پدیده‌های اجتماعی و تأثیرگذار در نهادهای اجتماعی است که در کنار فراهم آوردن امکان ارتباط می‌تواند گفتمان مسلط در جامعه را تثبیت یا حذف نماید. یکی از اصلی‌ترین حوزه‌ها برای کشف ارتباط زبان با علوم انسانی و علوم اجتماعی و روان‌شناسی و فلسفه و... تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی است. تحلیل گفتمان تلاش می‌کند در عمق متن کنکاش نماید و مطالبی را بیان کند که مؤلف آن‌ها را ذکر نکرده یا به ذهنش هم نرسیده است؛ بلکه متن آن‌ها را بیان کرده است. هدف اصلی تحلیل گفتمان آن است که درک عمیقی از متن صورت پذیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه متون برای کاربران خود معنای خاصی پیدا می‌کنند؟ (پالتریچ، ۱۳۹۵: ۱۳). یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین انواع تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است. ریشه نظریه تحلیل گفتمان انتقادی به دانش زبان‌شناسی بر می‌گردد. تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که بر بنیاد جامعه‌شناختی تحلیل گفتمان استوار است و دانش زبان‌شناسی و تفکر انتقادی را به هم مرتبط می‌سازد. گفتمان انتقادی روابط بین ساختارهای زبانی، متن و بافت‌های اجتماعی را در سطح واژگانی و دستوری مطالعه می‌کند. یکی از زمینه‌های مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی، نثر ادبی و دینی می‌باشد. در میان آثار ارزنده معصومین (ع)، میراث امام علی (ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امام علی (ع) در دعای صباح ضمن دعا با ادبیاتی بسیار غنی، معارف اسلامی، سیاست، اخلاق، جامعه‌شناسی، حقانیت اهل‌بیت، انتقاد از ستم و درس معنویت و سعادت را آموزش می‌دهد. ادعیه که گفتمان دو سویه میان خداوند متعال و انسان است، دارای مفاهیم و ساختار جالب‌توجهی است.

دعای صباح تابلویی تمام‌نما از مناجات علی (ع) با خالق بی‌همتا است. دعایی است که بعد از نماز صبح خوانده می‌شود و به گفته علمای شیعه بلندترین مضامین حکمی، عرفانی و کلامی را در قالب الفاظ و عبارات ادبی بیان کرده است. نورمن فرکلاف در رویکرد گفتمان انتقادی خویش - که مبنای تحلیل ماست - از نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان انتقادی - اجتماعی، چون مفهوم نظم گفتمان فوکو و گرامشی استفاده کرده است که در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک هژمونی نویسندگان بسیار کارآمد است. از نظر او، تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله)؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن و سطح سوم، تبیین: که به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و تبیین اجتماعی فرآیندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آن‌ها مرتبط

است. نظر به اهمیت جایگاه این دعا، بررسی و نقد آن، هم از زوایای مختلف دارای اهمیت می‌باشد. متن مورد اشاره، دارای عناصر منحصر به فرد جهت ارائه آن در بوته نقد از منظر گفتمان انتقادی است و از انواع الگوهای موجود در این زمینه، با الگوی نورمن فرکلاف سازگارتر است. این پژوهش سعی می‌کند تا به این دو پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در دعای صباح بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدامند و امام علی (ع) چگونه توانسته‌اند با استفاده از کلمات این موضوعات را منتقل کند؟

هدف تحقیق و پرسش‌های آن

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مبحث زبان‌شناسی مناجات را در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف مورد بررسی قرار می‌دهد و رابطه قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در آن آشکار می‌نماید. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در دعای صباح بر اساس نظریه فرکلاف کدام است و ایدئولوژی امام (ع) در دعا چیست؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

در باره تحلیل گفتمان و الگوهای آن پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از جمله مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» از فردوس آقاگل‌زاده، مجله ادب پژوهی، ۱۳۸۶، در این مقاله، نویسنده تلاش کرده است تا الگوهای تحلیل زبان‌شناسان انتقادی را برای تحلیل، تفسیر و نقد متون ادبی تبیین کند. مقاله «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی: توصیف کوفیان)، اثر علی‌اکبر محسنی و نورالدین پروین، پژوهش‌نامه علوی، ۱۳۹۴. نویسندگان این مقاله تلاش کرده‌اند تا بر اساس گفتمان مذکور، چگونگی تعامل زبانی خطبه‌های امام علی (ع) با اوضاع خفقان‌آمیز مسلط بر زمان را که کوفیان بر آن دامن زده بودند، مورد بررسی قرار دهند. پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد در سال (۱۳۹۲)، با عنوان «بررسی اندیشه‌های کلامی در دعای صباح امیرالمؤمنین (ع)»، توسط زهرا صفایی مقدم، دادخدا خدایار، مرتضی عرفانی دستمال‌چی کاشانی، در دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده الهیات دفاع شد که در آن به توصیف و تحلیل و برداشت از جملات و فقرات دعای شریف صباح پرداخته شد و کلیات مسائل کلامی شامل: هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی تحلیل شده است. در سال ۱۴۰۰ مقاله‌ای با عنوان بررسی تطبیقی فراز «یا من دل علی ذاته بذاته» دعای صباح با تقریرات برهان صدیقین، توسط مسلم احمدی و دیگران در نشریه علمی اندیشه نوین دینی نوشته شد که در آن به اثبات وجود خدا پرداخته شده و از اصول اصالت و تشکیک وجود و ربط علی استفاده کرده است. براساس جست‌وجوهای صورت‌پذیرفته در پایگاه‌های اینترنتی تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع

تحلیل گفتمان دعای صباح امام علی (ع) انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، دعای صباح را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. دعای صباح و الگوی تحلیل انتقادی نورمن فرکلاف

نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف، یک نظریه تحلیلی متن‌بنیاد است که هم به مسائل زبانی و هم مسائل اجتماعی توجه می‌کند. فرکلاف در الگوی تحلیلی خود سه کارکرد توصیف (پرکتیس متنی)، تفسیر (پرکتیس گفتمانی) و تبیین (پرکتیس اجتماعی) را برای تحلیل متن پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق ایدئولوژی نهفته در لایه‌های زیرین متن را کشف و بررسی کند. باید توجه داشت که «ایدئولوژی نظام باورها و مقولاتی است که شخص یا جامعه با ارجاع به آن‌ها جهان را درک می‌کند و این زبان است که نقش تعیین‌کننده و حیاتی در تثبیت، بازتولید و تفسیر ایدئولوژی ایفا می‌کند. به دیگر سخن، منظور از ایدئولوژی، مجموعه ارزش‌ها یا نظام اعتقادی است که زبان متن منتقل می‌کند». (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴). در بخش توصیف «متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شوند.

در سطح تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده است، با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی به زبان و عوامل بینامتنی می‌پردازد. در سطح سوم یعنی سطح تبیین، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد» (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۹۱-۱۱۷). فرکلاف بر این نظریه تأکید دارد که هیچ متنی نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، ساخته و تولید شود. نظریه وی بر بنیاد جامعه‌شناختی تحلیل گفتمان استوار است.

در این بخش، دعای صباح امام علی (ع) در سطوح مختلف الگوی گفتمان فرکلاف مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲-۱. سطح توصیف

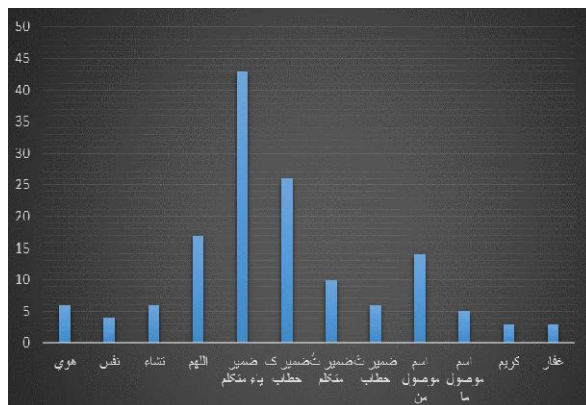
توصیف به عنوان پیش‌نیاز تفسیر و تبیین، جایگاه ویژه‌ای در بررسی‌های انتقادی فرکلاف دارد. در این سطح از گفتمان سعی می‌شود تا ویژگی‌های زبانی متن بدون در نظر گرفتن ارتباط متن با سایر متن‌ها مورد بررسی قرار گیرند و از این طریق، ایدئولوژی‌های پنهان در متن، مشخص شوند. تحلیل‌گر گفتمان در سطح

توصیف از زوایای مختلف متن را تحلیل می‌کند و رابطه صورت، معنا، دستور و باهم‌آیی واژگان را می‌کاود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰). در این سطح واژگان، ساختارهای نحوی و متن بر اساس سؤالات فرکلاف مورد بررسی قرار خواهد گرفت، از جمله: نوع روابط معنایی، جنبه استعاری واژگان و نحوه کاربرد ضمائر چگونه است؟ جملات بیشتر مثبت هستند یا منفی؟ معلومند یا مجهول؟ از کدام وجه جمله استفاده شده است؟ (خبری، دستوری یا پرسشی)؟ و نوع گفتگوها و لحن آن‌ها چگونه است؟ (همان: ۱۷۰).

۲-۲. بررسی لایه‌های واژگانی:

از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، بررسی لایه‌های واژگانی است. توجه به واژه‌های هر متن، نحوه گزینش آن‌ها، بار عاطفی و روان‌شناسی آن‌ها و هم‌نشینی آن‌ها برای ساختن ترکیباتی با معنای ایدئولوژیک و هدف‌دار از ویژگی‌های زبانی مهم هر عبارت یا جمله در بررسی تحلیل گفتمان انتقادی است. «در این بخش از تحلیل زبان، برقراری رابطه میان اجزای جمله، از اهمیت زیادی برخوردار است. در این حالت، ابتدا سعی می‌شود واژگان به کاررفته در متن مورد نظر بررسی شود و سپس، عبارات و جملات برآمده از ترکیب این واژه‌ها، برای کشف معنای پنهان متن مورد ارزیابی قرار بگیرد. ایدئولوژی غالب در گفتمان در موضوع مناجات و راز و نیاز با خدا، بیان عظمت خداوند و اظهار شگفتی از قدرت و حکمت او در خلق نعمت‌های عظیم، یگانگی خداوند و توحید، بخشندگی و رحمت، یادآوری نعمت هدایت، تقویض امور به خداوند و معرفت و جلال و جبروت خداوند خلاصه شده است. بر این اساس، بیشترین حجم واژگان دعای صبح برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی انتخاب شده است. به این صورت که واژه‌های پرکاربرد متن عبارتند از: تشاء، کریم، غفار، هوی، نفس و... که به تناوب در سراسر متن مناجات تکرار می‌شود. بسامد بالای این واژگان ایدئولوژی توحیدی امام (ع) را بیان می‌کند.

نمودار تکرار واژگان پر بسامد در متن دعای صبح به صورت زیر است:



نمودار شماره (۱)

امام (ع) با دقت و آگاهانه این واژه‌ها را باهم هم‌نشین ساخته‌اند. تناسب لفظی موجود در این ترکیبات معنای دعا را به‌شکلی مؤثرتر به مخاطب منتقل می‌کند. در فراز: *مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ يُنْطِقِ تَبَلُّجِهِ وَسَرَخَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بَغْيَاهِبٍ تَلْجُلُجِهِ وَأَتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ وَشَعَسَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بُنُورِ تَأَجُّجِهِ*، عظمت و قدرت خداوند را به‌تصویر کشیده است. ایشان از گزینش واژه‌های «لسان، نطق، نور» در کنار واژه‌های «تبلج، تلجلج و تأججه» ترکیبات وصفی جدیدی ساخته‌اند. بیرون کشیدن زبان صبح و پراکنده‌ساختن پاره‌های شب، ترکیبات و تعبیری هستند که امام (ع) برای بیان عظمت و قدرت خداوند در جهان هستی به کار گرفته‌اند. نیز ایشان با هم‌نشینی در واژگان «أرقدنی، أیقظنی و منحنی» این قدرت و توانایی را به‌تصویر می‌کشد. گزینش واژه‌های «کف و أكف»، نشان از تناسب لفظی این واژه‌ها با واژه «ید و سلطان» دارد.

از سویی دیگر، واژگان «كف أكف السوء عنی بیده و سلطانه» به‌صورت آگاهانه و ایدئولوژیک در کنار هم قرار گرفته‌اند تا تناسب لفظی و معنایی جمله حفظ گردد. امام (ع) سعی می‌کند تا با انتخاب گزینش واژه‌ها، ذهن مخاطب را به سمت خداوند و توجه به او سوق دهد تا از غرق‌شدن در گناهان نجات یابد. با توجه به مفهوم دعا دایره واژگانی امام (ع) نیز بیشتر مربوط به دعا و مناجات است:

«إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَهَوَائِي غَالِبٌ
 وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ»؛

واژگان «قلب، نفس، عقل، هوی، طاعة و معصية در کنار واژگان «محجوب، معيوب و مغلوب» با هم‌نشینی در کنار هم، تصویری ساخته‌اند که التماس و تضرع انسان به درگاه خداوند را به‌تصویر می‌کشد. در فرازهای «وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي أَتَأْتِكَ لِقَائِي الْأَمَلِ وَالْمُنَى، فَمَنْ الْمُقِيلِ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاتِ الْهَوَى»، «إِنْ لَمْ تَبْتَدِئِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ» و «وَ إِنْ خَدَلْتَنِي نَصْرَكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ، فَقَدْ وَكَلْتَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ اللَّصَبِ وَالْجَرْمَانِ»، اوج نیاز خود به رحمت و بخشندگی خداوند را ابراز می‌دارد و با این تضرع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک می‌کند. ایدئولوژی امام (ع) در این فرازها، تربیت اخلاقی مردم بود؛ چرا که، منشأ همه انحرافات که در جامعه پیش می‌آید، ریشه در اخلاق دارد. ایشان در این فرازها، حقیقت مهم‌تری را بیان می‌کند و آن دنیاطلبی است که منشأ خصال باطل و بی‌اخلاقی در زندگی انسان است و یاد خدا و توجه و مناجات با او را تنها راه درمان این رذیلت اخلاقی می‌داند.

امام (ع) با استفاده از ابزار دعا مردم را به خودسازی و رشد فضائل اخلاقی دعوت می‌کند:

«إِفْتَحْ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ الْفَلَاحِ وَ أَلْسِنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ وَ أَعْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْحُشُوعِ وَ أَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْحُرْقِ مَنِّي بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ»؛

و می‌فرماید انسان با توجه و یاد خدا و مناجات با او فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند و رذایل اخلاقی را می‌زداید و کبر و خودپرستی و ضعف را از خود دور می‌کند و این خاصیت طبیعی سخن گفتن و مناجات با خداست.

۲-۲-۱. جنبه استعاری

از مهم‌ترین موارد قابل بررسی در تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، بررسی جنبه استعاری واژگان است. کاربرد استعاره در قرآن و ادعیه ائمه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به نظر می‌رسد، استعاره بهتر می‌تواند ماهیت زبان مذهبی را روشن نماید. یکی از برجستگی‌های کلام امام (ع) استعاره است که با بهره‌گیری از آن، هویت ایدئولوژیکی معناداری به ادعیه خویش در تبیین اوضاع سیاسی و اجتماعی آن روزگار بخشیده است. در این دعا بیش از ۵ بار از این صنعت ادبی استفاده شده است. به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

«يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ»؛

خدایا، ای آن‌که زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش بیرون آورد.

در این فراز «لسان الصباح» دارای استعاره مکنیه است و «لسان» قرینه این استعاره می‌باشد. صبح به انسان تشبیه شده است و زبان قرینه استعاره است. همان‌طور که زبان خفایای ضمیر را آشکار می‌کند، صبح نیز خفایای ظلمت شب را نمایان می‌کند یا می‌توان گفت: روشنی و صبح به انسانی تشبیه شده است که با زبان گویا ابهام را برطرف می‌کند. آن‌گاه مشبه (انسان) حذف شده و به یکی از لوازم آن (لسان) اشاره شده است و «نطق» ترشیح استعاره است.

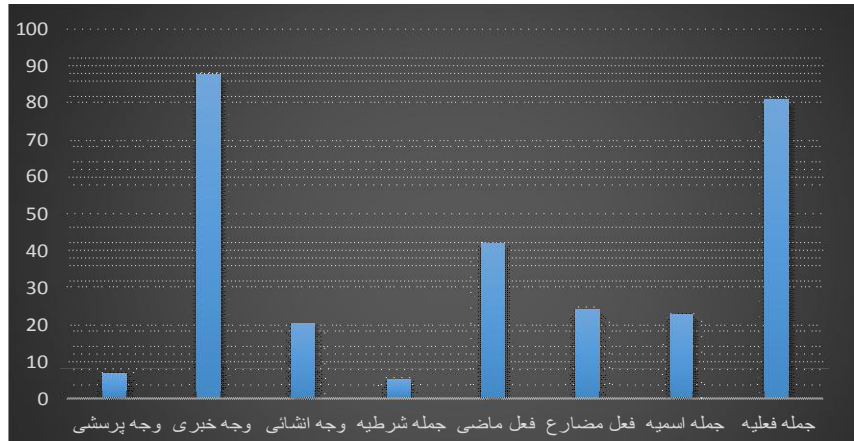
در فراز «يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ»؛ بی‌خوف بودن به حال کودکی تشبیه شده است که در گهواره خوابیده باشد و در امنیت و آرامش باشد. این لحن سخن نشان از تفکر توحیدی امام (ع) در باب اتکال به خداوند و امید بستن به لطف او دارد.

۲-۲-۲. وجه افعال

یکی دیگر از حوزه‌های توصیف، استفاده از شکل خاصی از افعال و تکرار مداوم آن در کل متن است. «وجه افعال، درجه تعهد و الزام انسان به حقیقت، گزاره‌هایی را نشان می‌دهد که بر زبان جاری

می‌کند». با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در متن مناجات، بیشترین کاربرد در زمینه وجه افعال، از نوع جملات فعلیه و در قالب فعل ماضی ساده و مضارع اخباری است. وجه اخباری برای «بیان عملی که هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه عادت، استمرار و تکرار دارد به کار می‌رود. وقایع و رویدادها و آنچه در زمان حال اتفاق می‌افتد، با این زمان بیان می‌شود و نیز برای بیان حقایق مسلم و برای بیان آینده کاربرد دارد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۰۰).

نمودار استفاده از وجوه افعال در متن دعا به صورت زیر است:



نمودار شماره (۲)

در عبارت «أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ وَأَنْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْعَسَقِ»؛ ذکر فاعل برای بیان عظمت و قدرت بی‌مانند خداوند و بیان مرکزیت آن در ایدئولوژی است و این که توانایی انجام این کار فقط در دست خداست. این صورت‌بندی گفتمانی همه جوانب زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گوینده را در بر می‌گیرد و به زندگی او جلوه تازه‌ای می‌بخشد که می‌توان آن را از نخستین جلوه‌های گفتمان توحیدمحور در میان مسلمانان دانست.

تُوتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ... أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ وَأَنْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْعَسَقِ وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذَابًا وَأَجَاجًا؛

به کارگیری فعل‌های «توتی، تشاء، تنزع، تعز، تذلل، تزرق، تولج، ألفت، فلفت، أنرت و أنهرت» که در وجه اخباری و در صیغه‌های مضارع اخباری و ماضی ساده به کار رفته‌اند، بیانگر آن است که امام در مقام فاعل و جایگاه اطلاع‌دهنده است و از مناجات به عنوان ابزاری قاطع برای آگاهی مخاطب استفاده کرده است که به گونه‌ای بازنمایی ایدئولوژیک نویسنده است. امام (ع) ضعف و ناتوانی خود در مقابل قدرت خداوند را بیان می‌کند و جهت برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی قدرت خداوند و ضعف خود فراز «یا مَنْ أَرْقَدْنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيُّقِظُنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ»، را بیان می‌کند و خود را چون طفلی که در گهواره بیارامد و جهت برخورداری از نعمت‌ها او را بیدار کنند، تصور می‌کند. «بسامد بالای استفاده از وجه اخباری، قطعیت متن را بالا می‌برد و بیانگر میزان پای‌بندی نویسنده به حقیقت گزاره‌هاست» (درپر، ۱۳۹۲: ۱۵۱). معنای تجدد و استمرار در فعل مضارع نشان‌دهنده این است که در اثر ارتکاب گناهان و غفلت از یاد خدا باعث سلب نعمت‌های الهی از انسان می‌شود.

امام (ع) علاوه بر استفاده فراوان از جملات فعلیه، از جملات اسمیه نیز استفاده می‌کند. بار تأکیدی آن‌ها بیشتر از جملات فعلیه است و ثبوت و دوام را می‌رساند و به این وسیله ایدئولوژی توحیدی خود را نیز بیان می‌کند: «فَأَيْتَكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَ أَنْتَ غَايَةَ مَطْلُوبِي وَ مُتَأَيِّ فِي مُنْقَلَبِي وَ مَتَوَايَ».

در فراز «إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْجُوبٌ وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَهَوَائِي غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ جِئْتِي يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ»؛ قصور و کوتاهی و ندامت خود را به درگاه احدیت بیان می‌کند و متضرعانه از او می‌خواهد که او را مورد رحمت و مغفرت خود قرار دهد.

۲-۳. انسجام و بررسی نوع ارتباط میان جملات

فرکلاف معتقد است که انسجام پیوندهای صوری بین جملات یک متن است. ممکن است در بردارنده پیوندهای واژگانی بین جملات باشد، به نحوی که واژه‌ها تکرار شود. ممکن است در بردارنده کلمات ربطی باشد، که نشانگر روابط گوناگون زمانی، مکانی، منطقی یا ارتباط میان مفاهیم و عبارات متن باشد یا ممکن است در بردارنده ارجاع باشد. به این طریق که کلماتی به جملات پیشین یا به نحو نادرتر به کلمات بعدی و جملات بعدی مرتبط باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۹). به مواردی از عوامل انسجام اشاره می‌شود:

۲-۳-۱. عوامل واژگانی

یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی تکرار است. تکرار به کارگیری متعدد برخی از متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم و جنبه دلالتی آن را تقویت می‌کند (حلو، ۲۰۱۲: ۲۰). یکی از اهداف تکرار «جلب توجه مخاطب به شیء تکراری است که این کار را به خاطر مبالغه در مدح یا ذم و... به کار می‌برد (ابن اثیر، بی تا: ۴۴/۳). کلام امام (ع) مشحون از انواع تکرار در قالب جمله، واژه، حرف و مفهوم با مقاصد مختلف می‌باشد. در اینجا تنها به نمونه‌ای از تکرار جمله و واژه بسنده می‌شود. یکی از این موارد، تکرار جملات شرطی است. در دعای صباح ۵ بار از اسلوب شرط استفاده شده است. پیامدهای منفی روی گردانی خداوند از بنده به صورت متوالی ذکر شده است. رابطه بین فعل شرط و جواب که همان رابطه علی و معلولی است، مخاطب را مطمئن می‌سازد که در صورت روی گردانی خداوند از بنده و رها کردن و یاری نرساندن به او، انسان دچار حیرت و سردرگمی و رنج و حرمان می‌گردد: «وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا لَكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمَمْنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ عَنِّي مِنَ كِبَوَاتِ الْهُوَى».

دیگر واژگان تکراری در دعای صباح که از بسامد بالایی برخوردار است، واژه تشاء است: «تَوْتِي الْمَلِكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكِ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابِ أَنْكَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ»؛

این فرازاها به عظمت و قدرت خداوند و این که تمامی امور در دست اوست، اشاره می‌کند. امام (ع) این سخنان را برای طلب و درخواست از خداوند بیان فرموده است.

۲-۳-۲. هم آبی

منظور از هم آبی، به هم مربوط بودن عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن متن می‌شود (آفاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۸). هر متنی دارای پیوستگی معنایی است و جملات تشکیل دهنده متن، باید دارای روابط ژرف ساختی باشند. این روابط در کاربرد واژگان متن به طور کامل منعکس می‌شود. هم آبی در دعای صباح در موضوعاتی معینی است. از جمله: توصیف خداوند در واژگانی چون (اللهم، تنزه، جل، قرب، بعد، علم، أرقد، أيقظ، منح و...)، خلقت جهان (دلع، الصباح، سرح، قطع الليل، أتن، صنع، اللفک الدوار و...)، قدرت خداوند: (توتی الملک، تنزع الملک، تعز، تذلل، تولج، تُخرج، تزرُق و...). آنچه هم این مباحث را به هم مربوط می‌کند، محوریت و فاعلیت لفظ جلاله (الله) است که با تکرار در همه بخش‌ها به عنوان حلقه وصل بخش‌های مختلف عمل می‌کند. صرف نظر از مرکز بودن خداوند در متن که در نقش کنش‌گر عمل کرده است؛ در اغلب بخش‌ها

واژه‌هایی حاکی از خالق بودن خداوند نیز دیده می‌شود. تمام بخش‌ها باهم ارتباط موضوعی دارند که همان بیان خلقت جهان و آفرینش است که در ساختار متن مطرح شده‌اند و هم‌بستگی مفهومی را به وجود آورده‌اند. در جملاتی که واژگان متضاد با رابطه هم‌آیی ذکر شده‌اند، به دلیل تقابل و تضادی که باهم دارند، باعث اتصال معنایی جمله‌ها شده‌اند، به‌ویژه زمانی که نقش اعرابی دو واژه متضاد یکسان باشد: «تَوْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْلُّ مَنْ تَشَاءُ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ». گاهی نیز ممکن است هم‌آیی بین دو واژه به واسطه اشتراک معنایی یا مترادف باشد (مطلوب و منای، امن و آمان، منن و إحسان، لطف و رأفت، ضیاء و نور، النصب و الحرمان)، کلمات و اصطلاحات در این مناجات از نوع گفتمانی تأثیر پذیرفته است که این مناجات بخشی از آن به‌شمار می‌رود و آنچه امام (ع) قصد القای آن را داشته است، وجود دو وضعیت متفاوت بوده که در جهان شکل گرفته است.

۲-۳-۳. عوامل دستوری

عوامل دستوری به سه بخش ارجاع، حذف و جایگزینی تقسیم می‌شود.

۲-۳-۳-۱. ارجاع

گاهی لازم است برای تفسیر برخی واژگان در متن، واژگان دیگر در همان متن تعبیر و تفسیر شود. برای فهم آن‌ها باید به مراجع آن‌ها مراجعه کرد. ارجاع در متن با ضمیر، اسم موصول و اسم اشاره صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش مرجع و پس مرجع است. لازم به ذکر است که ارجاع برون‌متنی تأثیری در انسجام بخشی متن ندارد (ولینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۹-۷۸).
از جمله انواع ارجاع، می‌توان به تکرار ضمیر یاء و کاف اشاره نمود که در نمودار شماره ۱ بسامد آن ذکر شده است.

البته باید اذعان نمود، تمام ضمائر موجود در این دعا به صورت مفرد در صیغه‌های (ی-ک-ت و ت) به کار رفته است. می‌توان نتیجه گرفت که در همه دیالوگ‌های انسانی که به صورت اول شخص و دوم شخص است، تقابل وجود دارد. امام (ع) از طریق اتصال واژگانی ضمائر متکلم و مخاطب التماس و تضرع خود را جهت توجه و استعطاف و نزدیکی متکلم به مخاطب بیان می‌کند
استفاده از این ضمیرها، یکی از عوامل انسجام در متن دعا است و در همه اجزای دعا به چشم می‌خورد و بر گفتمان مستقیم بین حضرت علی (ع) و خداوند دلالت دارد.

۲-۳-۳-۲. حذف

حذف به دو دلیل سبب انسجام متنی می‌شود:

الف: عدم تکرار- عنصر محذوف غالباً مشتق از ماده عنصر مذکور یا معنا یا متعلقات آن است؛ لذا اگر عنصر محذوف در جمله آورده شود، با نام تکرار شناخته می‌شود.

ب: ارجاع حذف عنصری از متن بیشتر با توجه به وجود قرینه در متن رخ می‌دهد؛ لذا شناخت عنصر محذوف، نیازمند شناخت قرینه است. پس قرینه مرجعی برای محذوف قرار می‌گیرد که ممکن است قبل یا بعد از محذوف باشد (همان، ۸۱). حذف در دعای صباح ۲۵ بار رخ داده است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

«يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَبَعَدَ عَنِ لَحَظَاتِ العُيُونِ وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ» در این فراز نیز منادی «یا من» محذوف است و در صورت ذکر منادی جمله به این گونه است: «يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَيَا مَنْ بَعَدَ عَنِ لَحَظَاتِ العُيُونِ وَيَا مَنْ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ».

حذف در مناجات به شکل‌های مختلف رخ داده است. در این فراز با جلوگیری از تکرار برخی عبارات که قرینه دارند، سبب ایجاز متن شده است و خواننده را مجذوب خود می‌سازد و هم‌چنین، باعث فعال‌شدن ذهن مخاطب می‌شود؛ چرا که باید به دنبال قرینه‌ای برای عبارات محذوف باشد، لذا به‌ناچار به جمله قبلی رجوع می‌کند تا بتوان معنای متن را به‌طور کامل دریافت کند.

۲-۴. بررسی اسلوب موسیقی کلام

یکی از مظاهر زیبایی کلام این است که کلمات آخر جملات در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند (الهاشمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۴). در هر نثر یک موسیقی درونی حاکم است که از رهگذر سجع و توازن و انواع بدیع لفظی و توالی حروف و تنوع اصوات و حرکات کوتاه و بلند به‌وجود می‌آید (قاسمی و أبو الشیاب، ۱۹۸۸: ۲۶۶).

سجع از جمله عوامل موسیقی‌ساز در گفتمان است. مناجات امام (ع) که در آن از فضل و بخشش و رحمت خداوند سخن گفته، نوعی آرامش و هماهنگی دارد که موقعیت مخاطب آن را اقتضا کرده است (الموسوی، ۲۰۰۲: ۴۶). بنابراین، موقعیت استدلالی و عملی مناجات، نوعی موسیقی آرام و هماهنگ را می‌طلبد که به‌نظر می‌رسد سجع متوازی به‌خاطر وجود وزن ذاتی که در ساختار آن وجود دارد، در ایجاد این موسیقی تأثیر به‌سزایی داشته است. در تمام فقرات این دعا سجع برقرار است به‌نونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ وَسَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ
بِغَيَابِهِ تَلْجُلُجِهِ وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ وَسَعَّعَ ضِيَاءَ
السَّمْسِ بُنُورِ تَأْجُّجِهِ»؛

بین واژه‌های (تبلججه، تلجلججه، تبرجه و تأججه) سجع متوازی وجود دارد. غالب سجع‌های متوازی در گفتمان امام علی (ع) در بخش توحیدی و آفرینش جهان هستی به کار رفته است. انبوه سجع در این قسمت با ایجاد آهنگی زیبا، مخاطب را به شنیدن مطالب تشویق می‌کند. امام علی (ع) با الفاظ متنوعی متن دعا را بازآفرینی کرده و این آفرینش هنری برای رعایت وزن و موسیقی الفاظ پایان فقرات دعاست که اوج معنا و مفاهیم را با کلمات رفیع و واژه‌های خوش‌نما آراسته است.

۲-۵. تحلیل آوایی دعای صباح

آواها، امواج قابل حسی هستند که در فضا حرکت می‌کنند و بعد از اندکی از بین می‌روند و قسمتی از آن‌ها بسته به شدت نوسانشان در گوش می‌مانند و دلالت‌هایی از جمله شادی، اندوه، نهمی، امر و... را به‌همراه دارند (حسین الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۴). تکرار و ترکیب حروف یا وسیله نشان‌دادن شکل وصف‌شده از طریق تقلید صوتی است یا وسیله تقویت موسیقی و طنین الفاظ (الطیب، ۲۰۰۰، ۶۶۱). در تمامی زبان‌ها، این حروف هستند که واژه و به‌تبع آن، جمله را به‌وجود می‌آورند. گاه اتفاق می‌افتد که میان حرف و لفظ، یک ارتباط درونی و پنهانی ایجاد می‌گردد، یعنی حروف به کمک کلمه می‌آیند و معنای آن را کامل‌تر، زیباتر و مؤثرتر می‌کنند. مثلاً کشش صوتی «الف» و پخش شدن صدا در «ه» دلالت واژه‌ی «آه» را برای بیان حزن و اندوه و افسوس، بیشتر می‌کند (قائمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

۲-۵-۱. توازن هجایی

آنچه در شعر مهم است، همراهی لفظ و معنا در موسیقی بیرونی و درونی آن است. اما در نثر موسیقی بیرونی تنها در توازن هجایی قابل بررسی و ارزیابی است و موسیقی درونی نمود بیشتری دارد (خضری و کمالی، ۱۳۹۷: ۳). توازن هجایی کلام بر موسیقایی کلام می‌افزاید. عمده دلیل زیبایی و تأثیر خیره‌کننده این دعا نیز عوامل موسیقایی و نظم آهنگ دل‌نشین آن است (همان: ۷).

با تقطیع هجایی دعای صباح که بیان توحید و خلوص بندگی امام (ع) و ناله و تضرع او به درگاه خداوند متعال است، درمی‌یابیم که در تمام عبارات هجاهای بلند و کوتاه درهم آمیخته است و نظم و توالی خاصی ندارند (هجای کوتاه ۷۹۰ بار و هجای بلند ۸۵۱ بار و هجای کشیده ۴۰ بار). حضرت آن‌گاه که باب ناله و تضرع می‌گشاید، مضمون حزن‌آلود و اندوه‌بار است که متناسب با آن وزن آرام و ملایم می-

شود و آن‌گاه که به عظمت خداوند و نعمت‌های او اشاره می‌کند، مضمون پرصلابت و لحن موسیقایی آن تند می‌شود و حروف مجهور با بسامد بالاتری در این عبارت استفاده می‌شود. «اللَّهُمَّ يَا مَنْ ذَلَعِ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِطُوقِ تَبْلُجِهِ وَسَرَّحِ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَابِهِ تَلْجُلُجِهِ وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ». توالی و نظم، یکسانی هجاهای بلند و بسیاری از عبارات دعا ضرب‌آهنگ خاصی را ایجاد نموده است و نظام موسیقایی متن را منسجم‌تر و آهنگ را دوچندان کرده است.

۲-۵-۲. موسیقی درونی دعای صبح

موسیقی درونی مجموعه هماهنگی‌هایی است که در نتیجه هم‌سانی واژگان و وحدت بین مصوت‌ها و صامت‌ها درون یک شعر به وجود می‌آید (فلکی، ۱۳۸۰: ۱۰۸). محور اصلی موسیقی این مناجات تکرار است که بسامد آن در صامت، مصوت، واژگان و عبارات موجب زیبایی است.

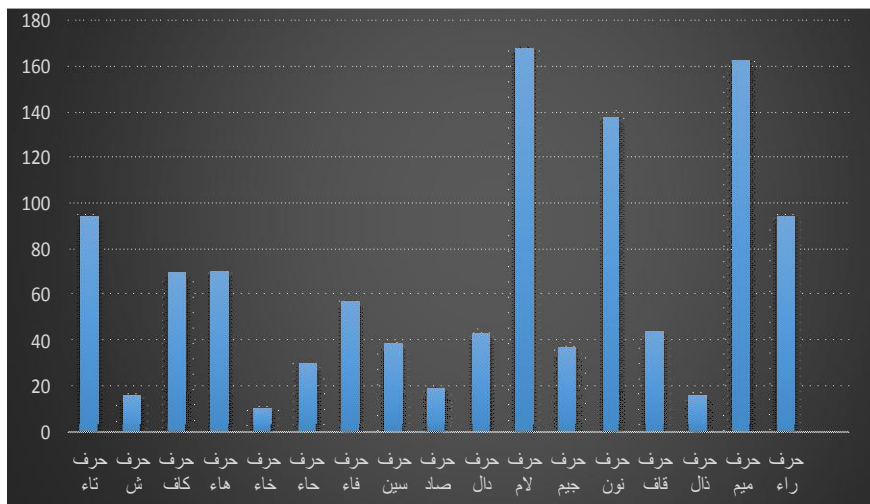
تکرار در سه سطح واج، واژه و عبارت، از مهم‌ترین مؤلفه‌های موسیقی درونی مناجات است. در سطح واجی، تکرار مصوت (ا) و (ای) به متن عنصر موسیقایی بخشیده است و نوای آن را پراثر می‌کند. در سطح واژگان، فضای لذت‌بخشی از تکلم و نجوا با پروردگار ایجاد می‌کند که حضور و وصل عبد و معبود است. تکرار جمله ندایی از برجسته‌ترین نمونه‌های تکرار در سطح عبارت است که فضایی از اندوه را بر ساختار متن حاکم می‌سازد. ندا در متن دعا ۳۵ بار تکرار شده است و نشان‌دهنده شوق و اشتیاق متکلم نسبت به مخاطب خویش است و شوقی که از تکرار آن حاصل می‌شود، بیانگر عمق رابطه خالصانه با معبودش می‌باشد.

بسامد هجای کوتاه و بلند و عدم نظم و توالی آن‌ها، حاکی از اضطراب و ترس از عقوبت گناهان است؛ در حالی که، بسامد هجای بلند نیز مناسب فضای حزن و اندوه است. در این مناجات، تکرار مصوت (آ و ای) بیانگر امتداد صوت هستند و متناسب با فضای آه و ناله و حزن است و اندوه آن حضرت را در برابر پروردگار بیان می‌کند. مصوت (ای) به‌ویژه، بیشتر با فضای مناجات که بر تضرع و ضجه مبتنی است، مناسب است. بررسی تکرار این حروف در متن مناجات بیانگر تناسب آواها با حالات نفسانی و درونی امام و بر اساس مقتضای حال مخاطب است.

۲-۵-۲.۱. جهر و همس

یکی از نکات قابل بررسی در بخش موسیقی درونی گفتمان امام (ع)، نحوه کاربرد حروف جهر و همس است. همس از نظر لغوی به معنای پنهان‌شدن و اصطلاحاً حروفی هستند که به هنگام تلفظ آن‌ها

تارهای صوتی به حرکت در نمی‌آید. همس دارای صفت ضعف است این حروف عبارتند از (هاء، حاء، سین، شین، فاء، صاد، تاء ضاد، کاف، خا). جهر همان لرزش صداست که در نتیجه، حرکت تارهای صوتی حاصل می‌شود و از نظر لغوی به معنای آشکاربودن است. برتیل المبریج در کتاب «علم الأصوات» جهر را نوسان تارهای صوتی در هنگام تکلم، بدون داشتن صدای خاص می‌داند و همس را عدم نوسان تارهای صوتی با صدای دیگر در هنگام تکلم تعریف می‌کند. (برتیل المبریج، ۱۹۸۴: ۱۰۹). جز حروف مهموس که به آن اشاره شد، بقیه حروف عربی مجهور هستند. نمودار زیر بیانگر بسامد حروف مجهور و مهموس در متن دعاست:



نمودار شماره (۳)

«فَبَيْسَ الْمَطِيَّةِ الَّتِي اِمْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا
 وَمَنَاهَا وَتَبَّأَ لَهَا لِجُرْأَتِهَا عَلَيَّ سَيِّدِهَا وَمَوْلِيَهَا»

در این فراز حرف (هاء) ۱۲ بار تکرار شده است که موسیقی خاصی به عبارات بخشیده است و آن را زیبا و دل‌نشین ساخته است. این حرف با حرکات عمیق در انتهای حلق بیانگر اضطرابات درونی است. متکلم سعی می‌کند با نزدیک شدن به خداوند و راهنمایی‌خواستن از او مسیرش را روشن کند و با پناه‌جستن به او در ساحل امن و آرامش قرار گیرد. صوت هاء به‌خاطر پخش شدن در صدا برای بیان ناله و

اندوه مناسب است. امام (ع) برای حفظ موسیقی و وزن در پایان فقرات از واژگان خوش‌آهنگ استفاده کرده است و بدین وسیله، هارمونی واژه‌ها حفظ شده است و این از خصوصیات کلام امام (ع) است. بر اساس ویژگی‌های ظاهری در متن مناجات، واژگان دارای معنای ایدئولوژیک و هدف‌دار گزینش شده‌اند. امام (ع) با برقراری ارتباط میان اجزای جمله، معنای مورد نظر خود را انتقال می‌دهد و این منظور در جهت خداشناسی، بیان عظمت خداوند و اظهار شگفتی از قدرت و حکمت او در خلق نعمت‌های عظیم، یگانگی خداوند و توحید، بخشندگی و رحمت، هدایت، تفویض امور به خداوند، تربیت فرد و جامعه، تئویر افکار عمومی می‌باشد. ایشان با استفاده از شاخص‌های زبانی ایدئولوژی توحیدی خویش را بیان می‌کند.

۲-۲. سطح تفسیر

در این بخش به تحلیل دعای امام (ع) در سطح تفسیر پرداخته می‌شود تا بافت موقعیتی و بینامتنیت آن بررسی گردد. تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از ذهنیت مفسر دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌برد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). از دیدگاه مفسر، ویژگی‌های صوری متن به منزله سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر محصول ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود. این دانش زمینه‌ای با تدابیر و تمهیدات مفسر را شیوه‌های تفسیر می‌نامیم (همان: ۲۱۵). در تفسیر سعی می‌شود تا پیش‌فرض‌های مربوط به متن مورد تحلیل و بررسی قرارگیرد و میزان ارتباط متن با متن‌های قبل و هم‌عصر خود بیان می‌شود. به این صورت که نشان داده می‌شود، نویسنده با استفاده از چه پیش‌زمینه‌هایی متن خود را نوشته است.

۲-۲-۱. بافت موقعیتی گفتمان

دعای صباح دعایی است که توسط امام اول شیعیان، علی بن ابی‌طالب سفارش شده است که صبحگاهان خوانده شود. به نقل از علامه مجلسی کتابت این دعا در روز ۱۱ ذی‌الحجه سال ۲۵ هجری قمری از سوی علی بن ابی‌طالب به تعلیم محمد بن عبدالله پیامبر اسلام است. در تألیفی در مورد این دعا، یحیی بن قاسم علوی مدعی شده که نسخه‌ای از آن به خط کوفی به وسیله خود علی بن ابی‌طالب مکتوب گردیده است (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۴۷). در مورد این دعا، قدیمی‌ترین سندیت مربوط است به کتاب «اختیار

المصباح» تألیف شده در سال ۶۵۳ قمری که توسط سید علی بن الحسین بن حسان بن الباقر القرشی معاصر محقق حلی و سید بن طاووس نوشته شده است (همان، ۲۴۶).

با توجه به محتوای مناجات، می‌توان به این نتیجه رسید که زمان، زمان آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی در سرزمین‌های عربی، خصوصاً شام و کوفه بوده و به دشمنی‌های قریش علیه امام در نبرد صفین در سال ۳۷ قمری که در حقیقت، جنگ بزرگان قریش با علی (ع) بوده است، اشاره دارد (منقری، ۱۳۸۲: ۱۰۲). مردم مدینه در سراسر حکومت امام، خود را از تمام حوادث کنار کشیدند و هرچند همانند قریش علیه او نجنبیدند، هیچ‌گاه در حمایت از او اقدامی نکردند. عدم حمایت مسلمانان اصیل و سابقه‌دار امام را واداشت به مردمی پناه برد که تربیت اسلامی نقش قابل‌توجهی نداشتند و سرانجام او را در طوفان حوادث تنها گذاشتند. بافت مکانی اثر به سرزمین‌های شام، کوفه، مکه و مدینه اشاره می‌کند. شامی‌ها که وفادار پسران ابوسفیان بودند، به جنگ امام آمدند و بیشترین نقش را در تضعیف حکومت او و به‌بن‌بست‌کشاندن برنامه‌هایش ایفا کردند. کوفه هم تحت‌تأثیر اشراف و منافع دنیوی، از امام فاصله گرفتند. در بین گروه‌های مخالف حضرت و نیز حمایت مالی اشراف و به‌خصوص، بنی‌امیه از مخالفان، چنان جوی علیه امام ایجاد نمود که این خلیفه که از مقام بی‌همتایی برخوردار بود، مظلومانه در تنهایی به‌سر برید.

۲-۲-۲. بینامتنیت

گفتمان‌ها و متون آن‌ها خود دارای تاریخ بوده است و متعلق به مجموعه‌های تاریخی هستند و تفسیر بافت بینامتنی به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه، چه چیزی را میان مشارکان، زمینه مشترک و مفروض بدانیم. تحلیل بینامتنی ما را متوجه این نکته می‌سازد که متن‌ها وابسته تاریخ و جامعه‌اند؛ بدین معنی که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل بینامتنی را در نظم‌های گفتمان ممکن می‌سازند (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۲۲). در این مرحله، یک گفتمان در بین گفتمان‌های دیگری قرار دارد که با آن در زمینه اجتماعی، سیاسی و مذهبی مشارکت دارد و پدیدآورنده متن از متون پیشین استفاده می‌کند و اثری جدید در زمینه گفتمان ایجاد می‌کند.

فرکلاف دو نوع بینامتنیت را برشمرده است: بینامتنیت صریح و بینامتنیت سازنده.

بینامتنیت صریح بر به‌کارگیری متون دیگر در یک متن به‌صورت مستقیم، مانند استفاده از علائم نقل‌قول و مانند آن اشاره دارد. بینامتنیت سازنده، مفهومی وسیع‌تر است و نشان‌دهنده تأثیر محتوایی گفتمان‌های دیگر در یک متن است. این بینامتنیت، بیناگفتمانی نامیده می‌شود. این مفهوم هنگامی واقع

می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلف در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۸). حضرت در طول گفتمان، علاوه بر اشاره مستقیم به آیات از الفاظ و واژگان قرآنی استفاده می‌کند تا با استفاده از تضمین و بینامتنیت، شنوندگان را به مدلول آیات سوق دهند و گفتمان ادعیه را در پیوند عمیق با قرآن قرار دهد و اثربخشی لازم را ایجاد کند و آن را گفتمان قرآنی می‌سازد تا با ایجاد کنش ارتباطی لازم بر مخاطبان، آنان را با خود و مضامین مطرح‌شده در دعا هم‌سو سازند و انگیزه لازم برای پویایی و بازگشت به دستاوردهای اسلامی را در آنان فراهم سازند.

امام (ع) با برقراری بینامتنیت میان ادعیه و آیات قرآن موجب پویندگی و برجستگی گفتمان می‌شوند و انگیزش لازم را برای اقناع مخاطبان می‌آفریند. در ادامه به نمونه‌ای از وام‌گیری‌های امام (ع) از آیات قرآن اشاره می‌کنیم.

«جَعَلَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا»؛

مفهوم این فراز کاملاً قرآنی است ولی به‌جهت هماهنگی با مفهوم متن در دعا با تعبیری متفاوت بیان شده است. خداوند متعال در سوره یونس آیه ۵ می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ».

امام علی (ع) با یک جابه‌جایی جهت هماهنگی با متن دعا، آیه قرآن را تغییر داده و مفهوم آن را در متن بازآفرینی کرده است. غالب مفاهیم دعا، قرآنی است که یا از لحاظ لفظی با آیات قرآن مشترک است یا در معنا و مفهوم با آیات قرآن هم‌خوانی دارد.

در این فراز، اثرپذیری از قرآن هم در ساختار و هم در مفهوم نمایان است و امام علی (ع) از آیاتی که بر عظمت و اقتدار خداوند دلالت دارد، بدون هیچ‌گونه تغییری به‌عنوان وسیله‌ای برای توسل به معبود خویش بهره برده است و این آیات را در متن دعا و نیایش خود آورده است و از این طریق کلام خود را با کلام وحی پیوند زده است.

تأثیرپذیری امام علی (ع) گاه با اشاره صریح به آیه، قرآن یا بخشی از آن است که خواننده آشنا با مفاهیم قرآنی آن را در می‌یابد و گاه در قالب اشاره به مضمون قرآنی است که خواننده با تفکر و تأمل و مراجعه به کتب تفاسیر مضمون آن را درک می‌کند.

۲-۳. دعای صباح در سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن

ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. منظور از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرایندها و اعمال اجتماعی، فرایندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است. بنابراین، تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). رابطه گفتمان‌ها با فرایندهای مبارزه و مناسبات قدرت، موضوع بحث مرحله تبیین است (همان: ۲۱۴). گفتمان علوی، کنشی اجتماعی در برابر قدرت حاکم است که در تلاش است قدرت و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را تغییر دهد. در تبیین گفتمان، مفاهیمی مانند قدرت، ایدئولوژی و هژمونی تحلیل می‌شوند (قهرمانی، بیدار، ۱۳۹۸: ۱۹۳).

۲-۳-۱. ایدئولوژی و قدرت

ایدئولوژی و قدرت، بن‌مایه‌های گفتمان انتقادی هستند؛ زیرا گفتمان، هم‌سو یا در تقابل با جهان‌بینی قدرت حاکم بر جامعه آفریده می‌شود. یکی از اصول پذیرفته‌شده در تحلیل گفتمان انتقادی، کارکرد ایدئولوژیک گفتمان است (همان: ۱۹۴). هر بخشی از متن، جهان‌بینی حاکم بر گفتمان را نشان می‌دهد و ایدئولوژی و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه را تقویت یا تضعیف می‌کند.

از لحاظ اجتماعی، دعا یکی از راه‌های مبارزه اجتماعی به صورت امر به معروف و نهی از منکر است. علی (ع) تلاش می‌کرد، دعای متناسب با مشکلات اجتماعی را به مردم تعلیم دهد تا به وسیله آن مردم را از محیط فاسد دور کند و آنان را از حاکمان ستمگر بیزار کند. روش سیاسی او به این صورت بود که با دعا مردم را با مشکلات جامعه آشنا کند تا به دنبال درمان آن باشند. دعا به‌جز راز و نیاز با خدا به پاره‌ای از مشکلات سیاسی-اجتماعی اشاره می‌کند. علی (ع) به وسیله دعا به مردم می‌فهماند که در حکومت‌های ستمگر دین و قوانین آن پایمال و شرک بنیان نهاده می‌شود.

هدف گفتمان علوی، تضعیف ایدئولوژی و قدرت حاکم بر جامعه و ابطال و خنثی کردن ایدئولوژی حاکم است. کنش بیان گفتمان امام علی (ع) تلاشی برای بازگشت به مفاهیم ارزشمند قرآنی و بستر فکری جامعه زمان پیامبر اکرم (ص) و نیز دگرگون کردن محور تفکرات مخاطبان است و می‌فرماید: «فَيْسُ الْمَطِيَّةِ الَّتِي اِمْتَطَلَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا وَمَنَاهَا وَتَبَّأَ لَهَا لِحْرَاتِهَا عَلَيَّ سَيِّدَهَا وَمَوْلِيَهَا». او با بیان این مطلب، باورهای مخاطبان را به نقد می‌کشاند و آنان را به گفتمان مسلط حساس می‌کند. حضرت در مورد چندصدایی جامعه آن روز می‌فرماید: «فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعَزِّ وَالْبَقَاءِ». این فراز به برگزیدن خدایان دیگری برای تعبد و پرستش از جانب مردمان آن زمان اشاره می‌کند که به پرستش ماه و خورشید و ستارگان روی آورده بودند. ایدئولوژی امام علی (ع) در این فراز، بیان یگانگی خداوند در مقام

و منزلت و جاودانگی او و عدم و نابودی مخلوقات است و با پیوند این عبارات به آیات ۲۷ و ۲۶ سوره الرحمن «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، جاودانگی خداوند و فناپذیری مخلوقات را مسجل می‌فرماید.

تفکر و ایدئولوژی یکی از برجسته‌ترین مقوله‌های هر متن است؛ چرا که در فکر و اندیشه صاحب‌متن است که درون‌مایه و محتوای متن شکل می‌گیرد. ایدئولوژی حاکم در مناجات بر مبنای تضرع و التماس، خود را برجسته می‌نماید: «إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لَاجئًا مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي، وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أُنَامِلَ وَلَائِي وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِعُقُوكَ وَرَحْمَتِكَ، وَهَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا إِلَىٰ جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ».

در این عبارات، ضعف و ناتوانی خود را در پیشگاه خداوند ابراز می‌دارد.

ایدئولوژی دیگر امام از پرداختن به دعا و مناجات خداشناسی و توحید است. امام علی (ع) در ساختار دعا به هدایت مردم پرداخته و از طریق شناساندن خداوند و نشان‌دادن راه‌های دست‌یابی به خشنودی او خواستاران رسیدن به معبود را هدایت فرموده و به زیباترین اسلوب اسرار خداشناسی را بیان کرده است. از جمله در این فراز: «يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَنِي إِلَىٰ مَا مَنَعَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ؛ معبود هستی که فضل و رحمتش را به مخلوقات ارزانی داشته است، به انسان می‌شناساند و آن‌ها را به سوی او که آرامش‌بخش وجود انسان است، دعوت می‌کند. نیز در فراز «يَا مَنْ دَلَّ عَلَيَّ ذَاتِهِ بِدَائِهِ، وَتَنَزَّ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ...»؛ شریک قراردادن برای خداوند و قائل شدن هم‌تا و نظیر برای خداوند را نفی می‌کند و جهت تبیین و اثبات این امر، کلام خود را با استناد به آیات قرآن بیان می‌فرماید و جوهره کلام خود را از قرآن اقتباس می‌کند. « وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ» (انعام آیه ۱۰۰).

از دیگر ایدئولوژی‌های امام در دعای صباح، بیان عظمت خداوند و ابراز حیرت از قدرت و حکمت او در آفرینش نعمت‌های عظیم چون، پدیدآوردن صبح روشن از دل شب تاریک، خلفت جهان و آراستن آن به وسیله خورشید عالم‌تاب، ماه و ستارگان هدایت‌گر است و این مضامین در فرازهای آغازین دعا «يَا مَنْ دَلَّ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِطُوقِ تَبْلُجِهِ، وَسَرَّحَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بَعْيَاهِبِ تَلْجُلُجِهِ، وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرِجِهِ، وَسَعَّشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ» تداعی می‌شود.

نتیجه گیری

در مرحله توصیف، نشان داده شد که امام علی (ع) با بهره‌گیری از روابط بین جملات و هم‌آیی، ایدئولوژی معناداری به مناجات خویش بخشیده است که در تبیین اوضاع اجتماعی-سیاسی آن روزگار مؤثر بوده است. نیز درجملات با وجوه خبری با قطع و یقین به بیان موقعیت گفتمانی پرداخته است که بیانگر میزان تعهد نویسنده به گزاره‌هاست. بسامد بالای وجوه خبری، گویای آن است که نویسنده در مقام فاعل و جایگاه اطلاع‌دهنده است و این متن به عنوان ابزاری قاطع برای ارسال پیام است. در بعضی عبارات، قصد نویسنده برای انگیزش مخاطب نیست؛ بلکه نوعی انتظار، حسرت و اندوه را نشان می‌دهد و نویسنده از گفتمان وجوه افعال به‌طور یکسان استفاده نمی‌کند، بلکه وجوه سه‌گانه اخباری پرسشی و امری را برحسب ضرورت و قصد و نیت خود به‌کارگرفته است.

در سطح تفسیر، بافت‌های موقعیتی متفاوتی در آن دیده می‌شود که در هر کدام از آن‌ها، افراد متفاوت با جایگاه اجتماعی خاص خود مشارکت دارند. روحیه زراندوزی و مقام‌پرستی، باعث دورشدن از دین و انحطاط اخلاقی مردم آن دوران شده و این انحطاط اخلاقی و دنیازدگی باعث شده بود جامعه به دورویی و نفاق‌گرایی پیدا کنند و از حمایت امام دست بردارند. در دعای صباح، بینامتنیت به هر دو نوع سازنده و صریح به‌کار رفته است. امام (ع) هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم از آیات و الفاظ قرآنی در متن مناجات استفاده نموده است. ایشان با برقراری بینامتنیت، میان ادعیه و آیات قرآن موجب پویندگی و برجستگی گفتمان می‌شوند و انگیزش لازم را برای اقناع مخاطبان می‌آفرینند. روابط بینامتنی دعای عظیم صباح، نشان از پیوند جاودانه امام (ع) با قرآن و حاصل یک‌عمر هم‌دلی با این کتاب مقدس است.

در سطح تبیین، ایدئولوژی غالب در گفتمان در موضوع مناجات و راز و نیاز با خدا، بیان عظمت خداوند و اظهار شگفتی از قدرت و حکمت او در خلق نعمت‌های عظیم، یگانگی خداوند و توحید، بخشندگی و رحمت، یادآوری نعمت هدایت، تفویض امور به خداوند و معرفت و جلال و جبروت خداوند خلاصه شده است. بر این اساس، بیشترین حجم واژگان دعای صباح برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی انتخاب شده است و با توجه به مفهوم دعا دایره واژگانی امام (ع) نیز بیشتر مربوط به دعا و مناجات است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- پاشازانوس، احمد؛ جعفری، روح الله. (۱۳۹۴). «*تحلیل انتقادی خطبه زیادبن ابیه معروف به خطبه البتراء با استفاده از الگوی فرکلاف*». پژوهش‌نامه نقد ادبی، دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۴۱-۶۵.
- یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوییز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. مترجم: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ج ۲.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ج ۱.
- شجاع رضوی، سعیده. (۱۳۸۶). *جنسیت و شمول معنایی*. فصل‌نامه پازند، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۱-۲۶.
- احمدی بابک. (۱۳۸۸). *ساختار و تأویل متن*. چاپ یازدهم، تهران: مرکز.
- مک دائل، دایان. *مقدمه‌ای بر نظریه‌های تحلیل گفتمان*. ترجمه حسین‌علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ ناصری مشهدی، نصرت. (۱۳۸۰). «*تحلیل نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی-شناختی کاربردی «نامه سران تگین آباد»*». زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۶، شماره ۶۲، صص ۳۷-۵۸.
- هاشمی، احمد. (۱۳۷۸). *جواهر البلاغة*. مترجم: دکتر محمود خورسندی، حمید مسجد سرائی. تهران: نشر فیض.
- عکاشه، محمود. (۲۰۰۵). *لغة الخطاب السياسي دراسة لغوية تطبيقية في ضوء نظرية النصال*. مصر: دارالنشر للجامعات.
- الشهري، عبدالهادی بن ظافر. (۲۰۰۴). *استراتيجيات الخطاب مقارنة لغوية تداولية*. ج ۱، بیروت: دارالکتاب الجديدة المتحدة.
- ابن اثیر، ضیاء‌الدین. (بی‌تا). *المثل السائر فی الادب الکاتب و الشاعر* به تعلیق: احمد الحوفی و بدوی طبانة. مصر: دار النهضة مصر للطبع و النشر.
- حلوه، نوال بنت إبراهيم (۲۰۱۲). «*أثر التکرار فی التماسک النصی نقاربه معجمية تطبيقية فی ضوء مقالات د. خالد منیف*»، مجلة جامعة أم القرى لعلوم اللغات و آدابها، العدد الثامن، صص ۸۲-۱۳.
- الموسوی، محسن باقر. (۲۰۰۲). *المدخل الی علوم نهج البلاغة*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالعلوم.
- المبریح، برتیل. (۱۹۸۴). *تعریب و الدراسة الدكتور عبد الصبور شاهین، علم الأصوات*. ناشر: مكتبة الشباب.
- حسین، الصغیر. (۲۰۰۰). *لصوت اللغوی فی القرآن*. بیروت: دارالمؤرخ العربی.
- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲ق). *وقعه الصغیرین*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قاهره: المؤسسة، العربیه الحدیثه.
- الطیب، عبدالله. (۲۰۰۰). *المرشد الی فهم أشعر العرب و صناعتها*. جلد ۲، بیروت: دارالفکر.
- قهرمانی، علی؛ بیدار، فاضل. (۱۳۹۸). «*تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف*» (مطالعه موردی خطبه‌های علی (ع) در جریان فتنه‌های خوارج). پژوهش‌نامه امامیه، تابستان.

